

واکاوی مبانی و آراء فقهای امامیه درباره حدود پوشش زنان؛ با تأکید بر مسابقات ورزشی ایشان

مهدی زارع^۱، محمدرضا بهدار^۲

چکیده

پوشیده بودن بدن زن یکی از ضروریات آموزه های دین اسلام است. با توجه به اهمیت حضور بانوان در مسابقات ورزشی و لزوم توجه به شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی موضوعات در صدور احکام فقهی، پژوهش حاضر با هدف واکاوی مبانی و آراء فقهای امامیه درباره حدود پوشش زنان با تأکید بر مسابقات ورزشی ایشان به شیوه تحلیلی- توصیفی انجام شد. بدین منظور با مراجعه به آراء فقهای امامیه که شامل آثار فقهی برخی متقدمین از علمای عصر غیبت تا کنون است، این موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با وجود بررسی هایی که انجام شد، پژوهشی که موضوع مطالعه حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان در مواجهه با نامحرم باید پوشش کافی داشته باشند و برای ورزش کردن، مطابق نظر فقهایی که پوشاندن صورت و دست ها تا مچ را واجب نمی دانند، بیش از این حد، استثنائی بیان نشده است. همچنین مطابق نظر اکثر فقههای امامیه حد پوشش زنان در مقابل زنان دیگر در مسابقات ورزشی (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) ستر عورتین است.

واژگان کلیدی: مقدار پوشش، ورزش زنان، حجاب، مسابقات ورزشی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۶
۱. استادیار معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: zare.m46@gmail.com

۲. استادیار معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.

Email: rbhdar@gmail.com

Exploring Imamieh Jurists' Fundamentals and Ideas on Women's Coverage with an Emphasis on Their Sport Competitions

Mahdi Zare¹, Mohammad Reza Behdar²

One of the most essentials of Islamic teachings is that women's body should be covered. Due to the importance of women's participation in sport competitions and the necessity for caring about time and place requirements of issues in issuing jurisprudential orders, the present research attempted to explore Imamieh jurists' fundamentals and ideas on women's coverage with an emphasis on their sport competitions with a descriptive-analytical method; thus, by referring to Imamieh jurists' ideas, including jurisprudential works of some early scholars living in the age of absence, this subject was examined. After reviewing them, it was determined that there was no work that had examined the subject of this research. The results of this research show that women should have adequate coverage in the face of men. Regarding sport competitions, according to jurists who believe that women's face and hands to their wrist should not be covered, there is no exception more than that. In addition, based on the majority of Imamieh jurists, women should only cover their genital parts in the face of other women (Muslims or non-Muslims) in sport competitions.

Keywords: coverage limit, women's sport, Hijab, sport competitions.

شکی نیست باتوجه به مناسبات بین‌المللی عصر حاضر، شرکت زنان در مسابقات ورزشی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین به سبب سبک زندگی ماشینی عصر حاضر، ورزش کردن برای همگان به‌ویژه زنان امری ضروری و یکی از موضوعات مهم و مورد توجه پژوهشگران در علوم مختلف است؛ زیرا این موضوع بر ابعاد مختلف زندگی فرد اعم از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بهداشت و سلامت وی و جامعه تأثیرگذار است. (عزیزآبادی فراهانی، ۱۳۷۳؛ عبدلی، ۱۳۸۶؛ کوشافر، ۱۳۸۱) از آنجا که دین اسلام نیازهای بشر را در همه ابعاد مادی و معنوی مورد توجه قرار داده است و برنامه‌هایی مطابق عقل و فطرت الهی و به اقتضای طبیعت انسانی زن و مرد دارد، درباره وظایف مؤمنان در همه امور ورزش، آموزه‌هایی هدایت‌بخش دارد (توحیدی اقدم، ۱۳۷۸). از طرفی بر عموم متدینان به این دین، فرض است که کردار و رفتار خویش را متناسب با این آموزه‌ها تنظیم کنند. حکم به وجوب پوشیده بودن بدن زن در مواجهه با نامحرم یکی از آموزه‌های اسلام است که مطابق آن پوشش زن در محیط خانه یا خارج از خانه باید با موازین اسلام هماهنگ باشد.

کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب که بیشتر به معنای پرده استعمال می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸۷۰/۶) در متون کهن دینی، واژه حجاب به معنای مصطلح امروزی استعمال نشده است به طوری که می‌توان این اصطلاح را یک اصطلاح نو دانست؛ در گذشته و به‌ویژه در اصطلاح رایج میان فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است (جعفریان، ۱۴۲۸، ۲/۱۱۴۵)، اما امروزه حجاب با سترو پوشش به‌ویژه در مورد زنان مرادف دانسته شده است.

در مباحث فقهی مرتبط به پوشش زنان، فقها از دیرباز تاکنون در کتب فقهی خود در ابوابی با عنوان کتاب نکاح و کتاب صلو، فصل مستقلی را به سترو ساتراختصاص داده‌اند. از جمله می‌توان به نگاشته‌های شهید اول در *اللمعة الدمشقیة* و شارح آن، شهید ثانی، در *الروضة البهیة*، محمد حسن نجفی در *جواهر الکلام*، محمد کاظم طباطبایی یزدی در *عروة الوثقی* اشاره کرد. آنچه تاکنون در این باره به رشته تحریر درآمده است، هیچگاه به طور مستقل به حجاب زن در مقوله ورزش نپرداخته و آنچه در ضمن کتب یا مقالات در این

موضوع آمده است، ناظر به نقل اقوال مختلف و بررسی ادله آنها نیست و فقط به بیان حکم مسئله اکتفا شده است. به ویژه با توجه به تأثیر اقتضائات زمانی و مکانی در تعیین موضوعات احکام فقهی، این پرسش که آیا تحولات و مناسبات جدید در حدود پوشش ورزش زنان تغییری حاصل می‌کند یا خیر، بررسی نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف ایجاد انسجام میان مطالب در این مسئله و جمع‌آوری آرای علما، امکان مقایسه و داوری میان اقوال با مراجعه به ادله و مستندات آنها و با هدف دسترسی سهل به احکام و مسائل مرتبط به حجاب در ورزش زنان، برای علاقمندان و جویندگان، تدوین گردیده است.

۲. مقدار پوشش زنان در ورزش

از آنجا که ورزش زنان بخشی از فعالیت‌های ایشان است بررسی آرا و ادله فقها درباره پوشش زنان در مسابقات ورزشی امری مستقل از اصل حکم حجاب نیست. بر این اساس، لازم است ابتدا اقوال و مبانی این اقوال در مقدار پوشش به شکل عام بررسی شود، سپس شمول این حکم نسبت به ورزش زنان در برابر دیگران و اینکه آیا مناسبات خاص در حوزه ورزش بانوان اقتضای تغییری در حکم حجاب و مقدار پوشش زنان دارد یا خیر بررسی گردد. از این رو، در پژوهش حاضر موضوع حد پوشش زنان از دو بعد مورد ارزیابی قرار گرفت: پوشش زن مقابل مردان نامحرم و پوشش زن مقابل زنان دیگر.

۲-۱. مقدار پوشش زن مقابل مرد نامحرم

بسیاری از فقها قائل به تلازم بین حکم حرمت نظر مرد و وجوب ستر زن هستند. از این رو، نظر خود را در مورد این مسئله ذیل احکام نگاه کردن، بیان کرده‌اند. دلیل دیگر در مسئله پوشش بدن زن، روایاتی است که درباره حرمت نظر به زن نامحرم دلالت دارد مبنی بر اینکه میان حرمت نظر و واجب بودن پوشاندن ملازمه برقرار باشد؛ چرا که ظاهر نصوص دینی و فتاوا بر مسلم دانستن چنین ملازمه‌ای است و به دلیل واضح دانستن چنین ملازمه‌ای، در غالب متن‌ها تعرضی به حکم وجوب پوشش و حرمت نظر نشده است، مگر جایی که به دنبال بیان موارد استثناء بوده‌اند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۵/۲۴۰) در فقه اسلام هیچ تردیدی در اینکه پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است، نیست؛ این موضوع

جزء ضروریات و مسلمات است و از نظر قرآن و حدیث و فتاوا در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد و آنچه مورد بحث است، پوشش چهره و دست‌ها تا مچ است.

۱-۱-۲. قول به وجوب پوشش همه بدن

عده‌ای از فقها قائل به وجوب پوشش همه بدن زن حتی چهره و دودست شده‌اند. این قول در میان قدما (به گفته علامه حلی)، برگزیده ابابکر عبدالرحمان هشامی است. (حلی، ۱۳۸۸/۲/۴۴۶) فخرالمحققین این قول را به پدرش، علامه، در تذکره نسبت داده و خود نیز این رأی را صحیح‌تر دانسته است (حلی فخرالمحققین، ۱۳۸۷/۳/۶). همچنین برخی این نظریه را به فاضل مقداد نسبت داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۳/۸). تعدادی از فقها بنا بر احتیاط واجب حکم بر لزوم پوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ داده‌اند (خویی، ۱۴۱۲ هـ.ق؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ هـ.ق).

۲-۱-۲. قول به استثنای صورت و دو دست تا مچ از وجوب پوشش همه بدن

بیشتر فقهای امامیه به وجوب پوشش همه بدن جز چهره و دو دست تا مچ، حکم داده‌اند. علامه حلی در تذکره به آن تصریح کرده است:

عورت زن تمام بدن، به جز صورت اوست و این به اجماع علمای همه شهرهاست به جز ابابکر بن عبدالرحمان بن هشام که می‌گوید: «هر چیزی از زن عورت است، حتی ناخن‌هایش و این به اجماع علما مردود است». (حلی، ۱۳۸۸/۲/۴۴۶)

محقق حلی، صاحب جواهر و محقق کرکی نیز چنین قولی را به بیشتر علمای شیعه نسبت داده‌اند. (محقق حلی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۰۱/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۳/۸؛ کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۹۶/۲) بیشتر فقهای معاصر نیز قائل به همین قول هستند و بر این رأی‌اند که بر زنان واجب است تمام بدن خود به جز وجه و کفین را از نامحرم بپوشانند، مشروط بر آنکه وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد و کسی به قصد لذت و ریبه به وجه و کفین آنها نگاه نکند (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲۵۵/۳-۲۵۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۸ هـ.ق؛ اراکی، ۱۳۷۳؛ سیستانی، ۱۳۸۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۸۰).

۱-۱-۳. ادله قول به پوشش تمام بدن

۱-۳-۱. ادله قول به پوشش تمام بدن در روایت

فقهاییه که قائل به وجوب پوشش همه بدن هستند به ادله نقلی تمسک جسته‌اند (مازندرانی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۵۲/۱؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۴۳/۵). عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ



عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْإِسَاءُ عَيٌّْ وَعَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا الْعَوْرَاتِ بِالْبَيُوتِ وَاسْتُرُوا الْعِيَّ بِالسُّكُوتِ؛ زَنَانٌ كَنُكٌ وَشَرْمَاةٌ هَسْتَنْد؛ پَس چَارَه كَنِيد نَاتَوَانِی شَان رَا دَر بِيَان بَا سَكُوت وَ شَرْمَاة بُوْدَن ايشان رَا بَا دَر خَانَه نَگَه دَاشْتَن» (كَلِينِی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۵۳۵؛ حَرَامَلِی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۶/۲۰). اهل لغت در معنای «عی» این چنین آورده اند: «عَيٌّ فِی مَنْطِقِه غَيًّا فَهُوَ عَيٌّ؛ از سَخَن گفْتَن دَر سَت عَاجَز اسْت». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) همچنین در معنای لغوی عورت گفته اند: هر خللی که مورد ترس یا نگرانی باشد؛ خواه در مرز باشد یا در جنگ و عورت هر نهانگاهی برای پوشیدن است. عورات جمع عورت و آن، هر چیزی است که هرگاه آشکار شود باعث حیا و شرمساری می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴/۶۱۷)

در مجمع/البیان ذیل معنای عورت آمده است: «عورت هر چیزی است که موجب نگرانی و ترس باشد. مکان معور و خانه معور یعنی، خانه ای که استحکام لازم ندارد و باید در حصار و پوشش قرار گیرد». (طبرسی، ۱۳۶۰، ۵۷/۲۰) بنابراین، به هر چیز آسیب پذیری که باعث نگرانی شود، عورت گفته می شود. شهید مطهری در تفسیر این کلمه می گوید:

در واقع معلوم می شود این تعبیر فقهی مشتمل بر نوعی تحقیر نیست، بلکه به زن از آن جهت عورت گفته می شود که مانند خانه بی حصار است و آسیب پذیر می باشد و باید در حصار و پوشش قرار گیرد. (مطهری، ۱۳۷۲)

در صورتی که دلالت روایت فوق از سوی فقهای قائل به وجوب پوشش تمام بدن بر مدعای ایشان تمام باشد، بر زن پوشاندن همه بدن مقابل نامحرم واجب خواهد بود. باتوجه به کلیت و شمول حکم نسبت به همه حالات و شئون، چون انجام فعالیت های ورزشی و شرکت زنان در مسابقات مقابل نامحرم، از مصادیق اضطرار نیست تا استثنا از حکم باشد، ورزش زنان در مقابل نامحرم و شرکت ایشان در مسابقاتی که مردان در محل برگزاری آن حضور دارند باید طوری انجام شود که تمام بدن زن پوشیده باشد و اگر پوشاندن تمام بدن غیر ممکن و متعذر باشد، انجام فعالیت در چنین فضایی جایز نخواهد بود. باید گفت که مقصود روایت این است که حتی اگر بدن زن به طور کامل هم پوشیده باشد، باز هم عورت است نه اینکه فقط در صورت برهنه بودن، عورت است و باید پوشیده شود. آیت الله بروجردی می فرماید:

احتمال دارد معنای عورت در این حدیث همان معنای لغوی آن باشد؛ یعنی هر

چیزی که انسان آن را از روی حیا به دلیل قبیح بودنش می پوشاند. در این صورت، مراد روایت این است که چون به سبب زن، اعمال زشت و رفتار ممنوع در شرع صورت می گیرد، او از جمله مواردی است که از ظاهر کردنش حیا می شود. تأیید این معنا در روایت پیامبر ﷺ است که می فرماید: «زن گنگ و شرمگاه است، پس چاره کنید ناتوانیشان را در بیان با سکوت کردن و شرمگاه بودن ایشان را با در خانه نگه داشتن». اینکه در روایت، حفظ عورت بودن زنان به در خانه بودن ایشان آمده است، دلالت بر این دارد که حاضر شدن در بیرون خانه اگرچه با پوشش باشد، باز هم در معرض کارهای زشت قرار گرفتن است. نتیجه اینکه عورت خواندن زن به دلیل این اعمال است و گرنه خود زن بدون لحاظ این امور، ضرورت حیا کردن درباره او معنا ندارد. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶ هـ.ق)

همچنین می توان گفت که این روایت به دنبال بیان کمیت و کیفیت پوشش نیست تا اینکه برای وجوب پوشش وجه و کفین به آن استدلال شود، نهایت دلالتش این است که زن پوشیده باشد، ولی مقدار آن را بیان نمی کند.

۲-۱-۳. ادله قول به پوشش تمام بدن در سیره مسلمین

برخی از فقها برای لزوم پوشاندن وجه و کفین به سیره متدینین تمسک جسته اند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۴۴/۵) البته سیره چیزی نیست که به سهولت بتوان از آن چشم پوشید. اگر سیره مسلمین از صدر اسلام تا کنون به طور مستمر و پیگیر این باشد که پوشش وجه و کفین را لازم بشمارند، دلیل روشنی است که این درسی بوده است که مسلمانان از پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام آموخته اند. در اصطلاح گفته می شود که سیره مستمره مسلمین کشف از سیره پیغمبر ﷺ می کند و البته سیره پیغمبر ﷺ حجت است (رک. مطهری، ۱۳۷۲).

در پاسخ به دلیل ذکر شده باید گفت که از کجا و چگونه می توان ثابت کرد چنین سیره مستمره ای در میان مسلمین وجود داشته است. چه بسا پس از اختلاط ملت عرب با ملت های دیگر به ویژه پس از تأثر عادات امپراطوری روم شرقی و رسوم ایرانی که نسبت به پوشش زن شدیدتر از آنچه اسلام می خواست، عمل می کردند، این رفتار متداول شد. همچنین بر فرض پذیرش چنین سیره ای، با استناد به آن نمی توان وجوب فقهی پوشش را ثابت کرد مگر آنکه ثابت شود عمل خود معصومین علیهم السلام نیز بر همین روش بوده است که البته آن هم ثابت نیست.

۲-۱-۴. ادله حکم به وجوب پوشش همه بدن به استثناء وجه و کفین

هر چند در صورتی که ادله قول اول (وجوب پوشش تمام بدن) ناتمام باشد؛ برای اثبات عدم وجوب، احتیاج به اقامه دلیل نیست؛ زیرا هنگام شک در حکم تکلیفی که الزام آواراست، بنابر اصل برائت، حکم به عدم وجوب می شود. بدین معنا که هنگام شک در تکلیف به دلیل فقدان نص، اجمال نص یا تعارض دو نص، به این اصل یعنی بری بودن ذمه انسان از تکلیف الزام آوار استدلال می شود. اصولیون مستند این اصل را احادیث رفع (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۶۹/۱۵)، حل (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳۹/۶) و حکم عقل (قبح عقاب بلایان در مورد فقدان و اجمال نص) گفته اند (رک. مطهری، ۱۳۸۸). با این حال، قائلین به قول عدم وجوب پوشش صورت و دست ها بر زن، دلیل هایی از قرآن، سنت و عقل آورده اند که در ذیل برخی از آنها بررسی شده است.

۲-۱-۴. کتاب

آیه شریفه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ باید با اضافه روسری، گردن و سینه خود را ببندند» (نور: ۳۱)، صراحت دارد که پوشاندن گریبان لازم است و در مقام بیان حد پوشش است؛ چون قبل از آن می فرماید: «... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» و نباید (برای نامحرم) زینت های خود را آشکار کنند، مگر آنچه که خود آشکار است...» (نور: ۳۱). ممکن است مطابق این آیه، این پرسش پیش آید که آیا گریبان هم جزء استثناء (إِلَّا مَا ظَهَرَ) است؟ چرا که عرف زنان عرب گریبان را نمی پوشاندند. باید توجه داشت که این آیه تأکید می کند باید (زنان) با اضافه روسری، گردن و سینه خود را ببندند؛ حال اگر صورت هم جزو محدوده لزوم و وجوب پوشش می بود، به طور حتم در آیه بیان می شد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در پوشش زنان مقابل مردان نامحرم، پوشاندن صورت لازم نیست. همچنین استفاده از کلمه «خُمْر» در آیه (باتوجه به اینکه با خمار و روسری، صورت را نمی پوشانند) اشعار به همین مطلب دارد: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ، مشعرٌ باختصاصِ الْحُكْمِ بِالْجُيُوبِ فَلَا يَعْمُ الْوَجُوهَ». (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۴۳/۵) این آیه شریفه که می فرماید: «روسری را بر روی گردن بیاندازند» اشعار دارد به اینکه حکم وجوب پوشش مختص به گردن هاست، پس شامل صورت ها نمی شود.

شایان توجه است کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می دانند، باید استثناء «الّا

ما ظَهَرَ» را منحصر بدانند به لباس رو و واضح است که حمل استثنا بر این معنی بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی داشتن لباس رو، به علت اینکه غیرممکن است، احتیاج به استثنا ندارد و لباس را وقتی می‌توان زینت محسوب کرد که قسمتی از بدن نمایان باشد. برای مثال در مورد زنان بی‌پوشش می‌توان گفت که لباس آنها یکی از زینت‌های آنهاست، ولی اگر زن تمام بدن را با یک لباس سرتاسری بپوشاند چنین لباسی زینت شمرده نمی‌شود. براین اساس، ظهور آیه را در اینکه قسمتی از زینت بدن را استثنا می‌کند، نمی‌توان منکر شد و صراحت روایات هم ابدأً قابل تردید نیست. (مطهری، ۱۳۷۲)

شاهد دریافت مجوز اظهار وجه و کفین از آیه شریفه روایاتی از معصومین است. در پاسخ به پرسش یکی از اصحاب در مورد تفسیر این آیه، امام صادق (علیه السلام) به جواز نپوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ تصریح فرموده است. مسعده گوید: «از امام صادق (علیه السلام) در مورد اینکه زن چه زینت‌هایی را می‌تواند ظاهر سازد، شنیدم که فرمود: دست و صورت». (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۲۰) این دلیل نقلی و روایی مورد استناد برخی فقهاست (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۷۵/۲۹؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۴۱/۵؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۴۹/۱۱) و در سند این روایت مناقشه‌ای نقل نشده است و دلالت آن بر جواز آشکار بودن دست و صورت نیز واضح است.

۲-۴-۱-۲. سنت

فقه‌ها برای قول به جواز اظهار وجه و کفین به روایات متعددی استناد کرده‌اند. در برخی روایات پرسش‌هایی که میان اصحاب و ائمه اظهار (علیه السلام) رد و بدل شده است فقط سؤال از جواز اظهار «مو» است و مسئله «رو» هرگز مورد پرسش نبوده است؛ زیرا وجه و کفین، مفروغ عنه و مسلم فرض شده است. احمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید:

از امام رضا (علیه السلام) سؤال کردم آیا برای مرد جایز است که به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمود: «نه، مگر اینکه از زنان سالخورده باشد». گفتم: پس خواهر زن و بیگانه یکی است؟ فرمود: «بلی». گفتم: (در مورد سالخورده) چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟ فرمود: «به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می‌توانی نگاه کنی». (حمیری،

۱۴۱۳ هـ.ق)

آنچه در سؤال و جواب از امام (علیه السلام) مورد سؤال قرار گرفته، مو است نه رو. به خوبی روشن است که مستثنی بودن چهره نزد طرفین مسلم بوده است. در جواب سؤال، چهره در



مقداری که نظر به آن جایز است، ذکر نشده است؛ چرا که هرگز نمی شود احتمال داد که در مورد زنان سالخورده نگاه به مو و ذراع جایز باشد، اما نگاه به صورت جایز نباشد. در روایت دیگر به همین کیفیت درباره جواز، استناد شده است. امام رضا علیه السلام به احمد بن ابی نصر بزنطی فرمود: «وقتی پسر بچه به هفت سال رسید باید به نماز خواندن وادار شود، ولی تا وقتی که بالغ نشده است، بر زن لازم نیست موی خود را از او بپوشاند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۲۲۹). بنابراین، در این روایت نیز پوشانیدن مو مطرح است نه پوشیدن صورت.

علاوه بر روایات فوق، احادیثی از معصومین علیهم السلام است که به طور مستقیم به حکم وجه و کفین، چه از نظر پوشاندن و چه نگاه کردن اشاره می کند. از جمله مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره زنی که در سفر بمیرد و مرد محرم یا زنی که او را غسل دهد، همراه او نباشد، سؤال کرد. حضرت فرمود: «مواضع تیمّم او را باید غسل دهند، ولی نباید بدن او را لمس کنند و نباید زیبایی های او را که خدا پوشیدن آن را واجب فرموده است، آشکار کرد». از ایشان پرسیده شد که چگونه عمل کنیم؟ فرمود: «اول باطن کف دست او را باید شست، سپس چهره و بعد پشت دست هایش را». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۵۶) علی بن جعفر، فرزند امام ششم، از برادرش، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسید که برای مرد چه مقدار جایز است به زنی که محرمش نیست نگاه کند؟ حضرت در جواب ایشان فرمود: «چهره، کف دست و جای دستبند» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳/۵۹۰). استدلال به این دسته از روایات با این توضیح تمام است که جواز نظر، دلیل بر عدم لزوم پوشیدن وجه و کفین است؛ زیرا بسیار بعید است که نظر مرد بوجه و کفین زن جایز باشد، ولی کشف آن دو بر زن حرام باشد. البته باید توجه داشت که عکس این مسئله صادق نیست؛ یعنی عدم لزوم پوشیدن، دلیل بر جواز نظر نیست و نباید پنداشت که بین این دو مسئله ملازمه است. با ملاحظه روایات فوق و دیگر احادیث در همین موضوع که تصریح بر عدم وجوب پوشاندن چهره و کفین جزء دارد، دریافت می شود که قول مجوزین اظهار این دو موضع، صحیح است.

۲-۴-۳. دلیل نفی عسرو حرج

عسرو حرج، دلیلی مستقل بر جواز اظهار صورت و دست تا میچ نیست، بلکه مؤید دلیل قبلی، قاعده نفی عسرو حرج است. (سیوری حلی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۲۲۲) در تعریف و تبیین قاعده نفی

عسرو حرج گفته شده است:

مراد فقها از قاعده نفی حرج و امثال این قاعده این است که خدای متعال احکامی را که مستلزم سختی شدید در حدی که تحمل آن برای مکلف سخت است، تشریع نکرده است، چه حکم وضعی، چه تکلیفی، چه ابتداءً و چه استدامتاً. (مشکینی، ۱۳۷۳)

همچنین در تبیینی دیگر آمده است:

منظور از عسرو حرج در این قاعده، عسرو حرجی است که در محدوده طاقت بشر است، اما عادتاً تحمل آن سخت است و موجب قرار گرفتن مکلف در تنگنا و مضیقه می‌شود. بدین ترتیب در این موارد، دلیل عقل باید به بیان قبح چنین تکلیفی بپردازد، نه اینکه مثبت نفی احکام خارج از طاقت انسان باشد. (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶ ه.ق، ۸۹/۲)

مطابق آنچه ذکر شد مضمون قاعده «لا حرج» این است که در اسلام هیچ حکمی که موجب مضیقه و در تنگنا افتادن مکلفان باشد، تشریع نشده است؛ یعنی تکلیف به هر چیزی که موجب مشقت برای مکلف باشد، عقلاً محال است و بنای عقلا نیز آن را تأیید می‌کند؛ چرا که انگیزه تکالیف، اطاعت و انقیاد است و این هدف با تکلیف به «امر غیر قابل تحمل» نقض می‌شود. آیه ۷۸ سوره حج ناظر به کلیه قوانین اسلام است و اختصاص به برخی احکام ویژه ندارد و منظور از آیه این است که هرگاه در اثر عمل به احکام و الزامات شرعی، مکلف در عسرو حرج واقع شود، این احکام و الزامات از عهده او برداشته می‌شود. (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶ ه.ق، ۸۲/۲)

درباره پوشش صورت و دست‌ها تا مچ، در تفسیر استثنای آیه نور «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» دو رأی وجود دارد؛ یکی جواز اظهار صورت و کف دست و دیگری عدم جواز. چنانچه پذیرفته شود که پوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ برای زن‌ها در رفت و آمد و تعامل با مردها در جامعه، حکمی حرجی است و مطابق آیه ۷۸ سوره حج خداوند برای مردم حرج و مشقتی قرار نداده است، این مطلب مؤید رأی اول می‌باشد که مبتنی بر جواز اظهار صورت و کف دست است. (سیوری حلی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۲۲۲/۲) برداشت برخی مفسرین در تبیین کلمه زینت و چرایی استثنا شدنش از لزوم پوشش در تفسیر آیه ۳۱ سوره نور، مؤید همین استدلال





قائلین به جواز است. فخررازی در تفسیر کبیر پس از بحث درباره اینکه آیا لغت «زینت» فقط به زیبایی‌های مصنوعی گفته می‌شود و یا زیبایی‌های طبیعی را هم شامل است (و خود رأی دوم را انتخاب می‌کند)، می‌گوید:

چون ضرورت معاشرت ایجاب می‌کرده که چهره و دست‌ها تا می‌چ باز باشد و شریعت اسلام شریعت سهل و آسان است، پوشانیدن چهره و دست‌ها تا می‌چ واجب نشده است.... علت این استثنا این است که پوشانیدن اینها برای زن دشوار است. زن ناچار است که با دست‌های خود اشیاء را بردارد و در مقام شهادت و محاکمه و ازدواج ناچار است که چهره خویش بگشاید. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۲۳/۳۶۴)

همچنین زمخشری در فلسفه استثنای زینت ظاهره می‌نویسد:

فلسفه‌اش این است که پوشانیدن اینها حَرَج و کار دشواری است بر زن؛ زن چاره‌ای ندارد از اینکه با دو دستش اشیاء را بردارد یا بگیرد و چهره‌اش را بگشاید، به ویژه در مقام شهادت دادن و در محاکمات و در موقع ازدواج و چاره‌ای ندارد از اینکه در کوچه‌ها راه برود. (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳/۲۳۱)

بنابراین، حضور زنان در محیط عمومی و انجام فعالیت ورزشی در مرئی و منظر نامحرم، ارتباط وثیقی با این مطلب دارد که از دو رأی بالا کدامیک انتخاب شود. جواز و عدم جواز فعالیت‌های ورزشی زنان بستگی بدین دارد که پوشش وجه و کفین واجب باشد یا نباشد. با ملاحظه ادله هر دو قول به نظر می‌رسد که رأی به استثنا وجه و کفین از حکم وجوب پوشش بدن زن و جواز فی حد نفسه، اظهار این دو موضع در برابر نامحرم، به صواب نزدیک‌تر است که در این فرض، انجام فعالیت ورزشی در محیط خارج از خانه با سهولت بیشتر انجام خواهد گرفت. البته نباید از نظر دور داشت که هم محیط خانواده و هم کانون اجتماع باید پاک و منزّه باشد و هر نوع لذت جنسی و کامجویی، (خواه بصری، خواه لمسی و خواه سمعی) نباید در خارج از رابطه همسری انجام شود. بنابراین، با لازم نبودن پوشیدن گردی چهره، حکم شرعی برخی از کارها از نظر حرمت یا جواز روشن می‌شود. بسیاری از کارهاست که از نظر فقهی و شرعی، به طور ذاتی بر زن حرام نیست، ولی اگر پوشش وجه و کفین لازم دانسته شود، این کارها بالعرض بر زن حرام است، یعنی به آن دلیل حرام است که مستلزم بازگذاشتن چهره و دو دست می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۲)

۲-۲. پوشش زن مقابل زن ها

آنچه در مورد حکم حدود پوشش برای زنان گفته شد، در فرض ورزش کردن ایشان در منظر عموم و با حضور مردان نامحرم بود، اما اگر چنین فعالیتی در محل های اختصاصی بانوان یا در حضور محارم وی (از مردان) باشد، باید به آراء فقها در مسئله «پوشش زن مقابل زن» مراجعه کرد. برخی فقها در جواز نگاه زن به هم جنس خود مسئله را بین دو امر تفصیل داده اند؛ یکی پوشش زن در برابر زن مسلمان، دوم پوشش زن در برابر زن غیرمسلمان؛ چراکه ایشان قائلند حد پوشش در مقابل زن مسلمان با زن غیرمسلمان متفاوت است. (رک. نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۷۱/۲۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۰۲/۲) باتوجه به اینکه در بیشتر مسابقات بین المللی ورزشی زنان، فعالیت ورزشی با حضور زنان غیرمسلمان که از نقاط مختلف جهان گرد هم می آیند، صورت می گیرد، بررسی هر دو وجه لازم می باشد.

۲-۱. حد پوشش زن برابر زنان مسلمان

به طور کلی فقها در این مسئله بردو قولند؛ یکی کفایت ستر عورتین و این رأی بیشتر فقهای امامیه است و دیگری لزوم پوشاندن از ناف تا زانو که فتوای اکثر فقهای عامه است (رک. مغنیه، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۴۹/۱). باتوجه به اینکه در بعضی رشته های ورزشی لباس های مخصوص ورزشکاران در آن رشته کوتاه تر از حد زانو است، ذکر اقوال فقهای شیعه و بررسی ادله آنها باتوجه به موضوع این تحقیق لازم است.

محقق کرکی در جامع المقاصد، مسئله نگاه کردن را با توجه به اینکه ناظر و منظور هر دو مرد باشند یا هر دو زن یا ناظر مرد و منظور زن و بالعکس، به چهار دسته تقسیم نموده و حکم هر کدام را جداگانه مطرح کرده است و درباره حکم نگاه زن به هم جنس خود می گوید: «همانند حکم نگاه مرد به هم جنس خود است در جواز دیدن همه بدن به جز عورت» کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۳/۱۲. رأی مرحوم سید یزدی نیز چنین است: «يجوز لكل من الرجل والمرأة النظر إلى ما عدا العورة من مماثلة شيخاً كان أو شاباً، حسن الوجه أو قبيحها» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۹۳/۵). محقق حلی در شرائع الاسلام (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۱۳/۲) و علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۴۱۹/۳) نیز همین تعبیر را دارند. از آنچه ذکر شد دانسته می شود که زن می تواند در برابر هم جنس خود آنجا که مفسده دیگری بر آن مترتب نباشد، فقط به مقدار ستر عورت، پوشش داشته باشد

و پوشاندن بیش از آن واجب نیست، مگر اینکه خوف فتنه باشد؛ این رأی مشهور فقهای امامیه است، البته ایشان در عین حال فرموده اند که پوشش مقدار بیش از آن دو افضل است (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۵۲/۱).

۲-۱-۱. ادله قول به کفایت پوشاندن عورتین

آنچه در اینجا می بایست برای فهم حکم مسئله مشخص کرد این است که مراد از عورت، چیست و چه مقدار از بدن را شامل می شود؟ آیا مراد از آن فقط قُبُل و دُبُر است یا از ناف تا زانو؟ فقهای که فرموده اند مراد از عورت معنای اول است، در مسئله پوشش زن برابر زن، به کفایت ستر قُبُل و دُبُر فتوا داده اند که در ذیل به ادله ایشان اشاره می شود.

اول، کتاب

قائلین به کفایت ستر قبل و دبر به سوره نور آیه ۳۰ و فهم عرف از لغت عورت، استناد کرده اند: لکن المشهور بین الإمامیه هو الإقتصار علی وجوب ستر العورتین و هو الموافق لظاهر قوله تعالی «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم إن الله خیر بما یصنعون» (نور: ۳۰)، فإنّ الفروج وإن لم یکن معناها اللغوی هو القبل و الدبر لکن العرف یفهمون ذلک. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۵۳/۱)

همچنین همین برداشت از آیه با استناد به روایات در بیان دیگر آمده است: «المراد من العورة و قد عبر عنها فی الآیة بالفرج و یستفاد من الروایات الصریحة الواضحة ان المراد بها القبل و الدبر». (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸ هـ.ق)

دوم، سنت

سنت، یکی از عمده ترین دلایل این دسته استناد به روایات برای اثبات مدعایشان است: أبی یحیی الواسطی عن بعض أصحابه عن أبی الحسن الماضي علیه السلام قال العورة عورتان: القبل و الدبر و الدبر مستور بالآلتین فإذا سترت القضیب و البیضتین فقد سترت العورة.

امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید: عورت به قبل و دبر گفته می شود که دبر با باسن پوشیده می شود، پس اگر شخص آلت و بیضه ها را بپوشاند ستر عورت اتفاق می افتد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۴/۲)



الصادق: قال الصادق عليه السلام: «الفخذ ليس من العورة؛ رانها جزء عورت نیست». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۱۹) این روایات داللتشان بر مدعای مشهور صریح و تمام است و از نظر سند هم خدشه‌ای به آن وارد نیست. همچنین روایات بیان شده درباره آداب حمام و تغسیل اموات بر درستی این رأی داللت دارد (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۳۲-۳۳ و ۴۹۷).

سوم، اجماع

صاحب جواهر و صاحب حدائق در این مسئله که زن در مقابل هم جنس خود به مقدار ستر عورتین می‌تواند کفایت کند، ادعای اجماع بلکه ادعای ضرورت کرده است. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۹/۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۳/۶۱) همچنین بنابر ادعای خویی این مسئله مورد پذیرش کل فقهاست و در اینکه عورت فقط شامل قبل و دبر است میان علما اختلافی نیست و این مطلب بر سیره قطعی مسلمین داللت دارد. علاوه بر آن، روایات بیان شده درباره نهی امام معصوم علیه السلام از ورود عده‌ای به صورت عریان در حمام، بیان‌کننده این است که نگاه به سایر اعضای بدن (به غیر قبل و دبر) در هم جنس اشکال ندارد (خویی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳۲/۲۹). با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که زنان مسلمان در مقابل زنان دیگر می‌توانند به مقدار ستر عورتین (قبل و دبر) البته بدون ترتب مفسده، پوشش داشته باشند و از آنجا که در تمام رشته‌های ورزشی این مقدار پوشش حداقل رعایت می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت انجام چنین فعالیت‌هایی در مکان‌های اختصاصی زنان بلامانع است. این موضوع برای ورزش‌هایی که در آب انجام می‌شود مثل شنا و همچنین تمرین کردن و مسابقه دادن در سالن‌های بدن‌سازی که پوشش کمتری نسبت به سایر رشته‌ها دارد نیز صادق است.

۲-۲-۲. پوشش زن مقابل زن غیر مسلمان

برخی فقهای امامیه در مسئله جواز نظر زن به هم جنس خود، بین زن مسلمان و غیر مسلمان اعم از اهل کتاب و کافر تفاوت قائلند. بنابراین، حد پوشش زن در مقابل هم جنس خود در فرض غیر مسلمان بودن متفاوت خواهد بود. صاحب جواهر قول به عدم تفاوت میان زن مسلمان و غیر مسلمان را به نقل از صاحب شرایع رأی مشهور فقهای امامیه می‌داند. (ر.ک.، نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۹/۷۱) در عین حال، قول به تفصیل و تفاوت حکم میان این دو گروه را به شیخ طوسی، طبرسی و راوندی نسبت داده است: «برای زن مسلمان جایز نیست با



زن ذمی (یهودی و مسیحی) به حمام رود. بلکه مقتضای آنچه در دلیل است، روا نبودن این کار با زنان کافر غیر ذمی است» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۷۲/۲۹). صاحب کتاب *شارع النجاة* نیز همین تفصیل را از شیخ نقل کرده است:

قول شیخ طوسی در موضعی از مبسوط آن است که زنان ذمیّه - از یهودیات و نصرانیات و مجوسیات - جایز نیست که بدن زن مسلمه را ببینند، حتی وجه و کفین و بر مسلمه واجب است که وجه و کفین و جمیع بدن خود را از نظر زن ذمیّه بپوشاند، همچنان که از مرد اجنبی پوشانیدن واجب است. (حسینی استرآبادی، ۱۴۲۶ هـ.ق)

قائلین به لزوم پوشش زن مقابل زن غیر مسلمان، در اثبات حکم به آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... أَوْ نِسَائِهِنَّ» استدلال کرده اند. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه چنین می فرماید: «اینکه فرموده "نِسَائِهِنَّ" و زنان را اضافه کرد به ضمیر زنان، برای اشاره به این معنا بود که مراد از زنان، زنان مؤمن است که جایز نیست خود را در برابر زنان غیر مؤمن برهنه کنند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۵۶).

مطابق این نظر که «نِسَائِهِنَّ» را به زنان هم آیین خودشان، اختصاص داده است و چنین نتیجه گرفته است که زن مسلمان در برابر زنان غیر مسلمان باید پوشیده باشد، زنان مسلمان نمی توانند زینت خود را در برابر زنان غیر مسلمان آشکار سازند. حکمت این حکم این است که زنان مسلمان باید از اینکه در معرض توصیف شدن بدنشان توسط زنان غیر مسلمان برای مردانشان قرار گیرند، تحفظ کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لاینبغی للمرأة أن تكشف بين يدي اليهودية والنصرانية؛ فَإِنَّهِنَّ يصفنَ ذلكَ لأزواجهنَّ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۸۴/۲۰). البته چنانچه اشاره شد بیشتر فقها چنین فتوایی ندارند و این تفصیل را به دلیل لزوم ترتب عسر و حرج در مسئله پوشش قائل نشده اند. بنابراین، باید گفت که ایشان یا چنین معنایی را از آیه برداشت نکرده اند یا در صورت پذیرفتن تمامیت دلالت آیه بر نهی از آشکار ساختن زینت توسط زنان مسلمان در برابر زنان غیر مسلمان، نهی در آیه را حمل بر نهی ارشادی کرده باشند نه نهی مولوی. همچنان که لفظ «لاینبغی» در روایت، به گواهی تعلیل ذیل روایت که می فرماید: «فَإِنَّهِنَّ يصفنَ ذلكَ لأزواجهنَّ»، دال بر کراهت کشف بدن زن مسلمان در مقابل غیر مسلمان است نه بر حرمت آن (رک.، نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۷۲/۲۹؛ طباطبائی

نکته دیگر اینکه برخلاف ارتباط فراوان مسلمانان با پیروان دیگر ادیان، می بایست پیامبر اسلام ﷺ و امامان علیّه یا حتی اصحاب ایشان، زنان و دختران خود را از مواجهه با زنان غیرمسلمان بدون رعایت حد واجب پوشش زن از زن، نهی کرده باشند. درحالی که روایت نقل شده در صورتی که از مناقشات دلالتی صرف نظر شود، برای حکم به حرمت کفایت نمی کند. از این رو، مطابق رأی بیشتر فقهای امامیه پوشاندن بدن به جز عورتین در برابر زنان غیرمسلمان، توسط زنان مسلمان در مسابقات ورزشی که پوشش کامل ندارند، مشروط به عدم ترتّب مفسده، واجب نیست.

۳. بحث و نتیجه گیری

امروزه حضور زنان در محیط عمومی متناسب با اقتضائات اجتماعی و سبک زندگی جدید از جمله به منظور انجام فعالیت ورزشی در منظر همگان، باتوجه به ضرورت رعایت حدود شرعی یکی از دغدغه های جوامع دینی و متدینان است که می بایست پژوهشگران برای رفع این چالش با تحفظ بر اصول و مبانی فقهی، پاسخ هایی مناسب عرضه کنند. پژوهش حاضر با تتبع در آراء و ادله فقهای شیعه به بررسی این موضوع پرداخت و نتایج زیر از آن حاصل شد:

جواز و عدم جواز فعالیت ورزشی زن مقابل نامحرم، مبتنی بر این است که رأی و ادله قائلین به وجوب پوشش وجه و کفین زن مقابل نامحرم برگزیده شود، یا قول به پوشش همه بدن به استثناء وجه و کفین. اگر فرض بر لزوم پوشش وجه و کفین باشد، همه فعالیت های زنان در خارج از محیط خانه ممنوع خواهیم بود، اما اگر پوشش وجه و کفین از حکم وجوب پوشش بدن زن استثنا شود، آنگاه انجام برخی فعالیت های اجتماعی خارج از منزل همچون ورزش کردن در مجامع عمومی با حفظ حدود الهی، برای زنان جایز خواهد بود. با بررسی ادله هر دو قول به نظر می رسد که رأی به استثنای وجه و کفین از حکم وجوب پوشش بدن زن و جواز فی حد نفسه اظهار این دو موضع در برابر نامحرم، به صواب نزدیک تر است؛ زیرا علاوه بر ضعیف و ناتمام بودن دلالت ادله قائلین به پوشش تمام بدن، با قوّت ادله ای که مجوزین از کتاب و سنت آورده اند، یارای مقابله ندارند. علاوه بر این،





دلیل عقلی نفی عسرو حرج، مؤید جواز اظهار وجه و کفین است.

درباره پوشش زن در مقابل زن و محارم، هنگام ورزش کردن نیز قول به کفایت ستر عورتین در صورت خالی بودن از مفسده، رأی برگزیده بیشتر فقهای شیعه است که در این حکم فرقی بین زن مسلمان و غیرمسلمان نیست. بنابراین، گرچه فقها در استنباط احکام شرعی می‌بایست با تحفظ بر اصول و مبانی دینی، مسائل مبتلی به جامعه مؤمنین و اقتضائات جدید را در نظر داشته باشند، این ملاحظه ملازم با تغییر احکام نسبت به تمام موضوعات فقهی نو ظهور از جمله موضوع این پژوهش یعنی، ورزش بانوان نیست. براین اساس، مطابق آراء فقها، برای حضور زنان در میادین ورزشی و شرکت ایشان در مسابقات، خصوصیتی نسبت به احکام پوشش زنان مقابل دیگران نیست.

باتوجه به اینکه فقهای متقدم بحث از حدود پوشش را در کتب فقهی خود به صورت مستقل ذکر نکرده‌اند و فقهای متأخر نیز در منابع محدودی به این بحث اشاره کرده‌اند، پژوهش حاضر با دشواری‌هایی مواجه بود. به‌ویژه اینکه مقوله ورزش زنان باتوجه به مستحدثه بودن، جز در استفتائات تعدادی از فقهای معاصر، هرگز مورد نقد و نظر فقهی نبوده است. ازاین‌رو، موضوعات نزدیک به بحث این پژوهش، همچون بررسی فقهی کیفیت پوشش زنان در مقابل مردان نامحرم و بررسی کیفیت پوشش زنان در مقابل محارم از مردان و بررسی کیفیت پوشش زنان در مقابل هم‌جنس خود به‌ویژه در ورزش، پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۲). زبده الاحکام. قم: مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۴. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ ه.ق). احادیث الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. توحیدی اقدم، محمدحسین (۱۳۷۸). درآمدی بر ورزش در اسلام. قم: دارالثقلین.
۶. جعفریان، رسول (۱۴۲۸ ه.ق). رسائل حجابیه. قم: دلیل ما.
۷. حائری طباطبایی، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ ه.ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: مؤسسه آل البیت (ع).

۸. حرعالمی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۹. حسینی استرآبادی، سید محمد باقر (۱۴۲۶ هـ ق). شارع النجاة فی احکام العبادات. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ هـ ق). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ هـ ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۳. خواجویی مازندرانی، ملا اسماعیل بن محمد حسین (۱۴۱۱ هـ ق). الرسائل الفقهیة. قم: دارالکتب الإسلامیة.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲ هـ ق). توضیح المسائل. قم: انتشارات مهر.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۸ هـ ق). موسوعة الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. رازی، فخرالدین ابوعبدالله (۱۴۲۰ هـ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالاحیاء تراث العربی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ ق). مفردات ألفاظ القرآن. صفوان عدنان داوودی. دمشق: الدار الشامیة.
۱۹. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ هـ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۰. سیستانی، سید علی (۱۳۸۲). توضیح المسائل. قم: انتشارات هجرت.
۲۱. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ هـ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۲۳. طباطبایی بروجردی، آقا حسین (۱۴۱۶ هـ ق). تقریر بحث السید البروجردی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۲۴. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ هـ ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۲۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ هـ ق). العروة الوثقی. بیروت: مؤسسه العالمی للمطبوعات.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
۲۷. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ هـ ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتابفروشی داوری.
۲۸. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ هـ ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. بیروت: دار التراث.
۲۹. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ هـ ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۳۰. عبدلی، بهروز (۱۳۸۶). مبانی روانی واجتماعی تربیت بدنی و ورزش. تهران: انتشارات بامداد کتاب.
۳۱. عزیزآبادی فراهانی، ابوالفضل (۱۳۷۳). تربیت بدنی عمومی (۲). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۲. لنگرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۰۸ هـ ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة. قم: مؤلف.
۳۳. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ هـ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. کوشاف، علی اصغر (۱۳۸۱). اصول و مبانی تربیت بدنی. تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۳۶. گلیایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ هـ ق). توضیح المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۷. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷ هـ ق). المعتمد فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
۳۸. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۹. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶ هـ ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۰. مشکینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۳). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب. تهران: المکتبة المحمدیة.
۴۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۲ هـ ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). کلیات علوم اسلامی. تهران: صدرا.
۴۴. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۳۸۰). توضیح المسائل. قم: نجات.
۴۵. موسوی خمینی، روح الله (بی تا). استفتانات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۸ هـ ق). التعليقة علی العروة الوثقی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق). جواهر الکلام فی شرح شریع الإسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.